

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۰۵ نومبر ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّورِ» (۱۰)

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سوره نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه (۳۶ الی ۳۸) درباره راه یافتگان به نور الله، مورد بحث قرار گرفته است.

فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶)

[این نور] در خانه هائی است که خدا اذن داده [شأن و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر

شود، همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند. (۳۶)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«فِي بُيُوتٍ»: مراد از (بیوت) مساجد است و جار و مجرور می‌تواند متعلق به فعل محذوفی باشد و تقدیر چنین است:

«إِذَا أَرَدْتُمْ الْإِيمَانَ هَذَا النُّورِ فَالْتَّمِسُوهُ فِي بُيُوتٍ» (ملاحظه شود: تفسیر عبدالکریم خطیب). یا این که: هَذِهِ الْمَشْكَاةُ، یا:

هَذَا الْمَصْبَاحُ، یا: «هَذِهِ الشَّجَرَةُ الْمُتَبَارَكَةُ فِي بُيُوتٍ». بعضی هم این جار و مجرور را متعلق به فعل (يُسَبِّحُ) می‌دانند.

در این صورت (فیها) برای تأکید بوده و زائد است. (تفسیر نور خرمدل)

این عباس گفته است: مساجد یعنی خانه‌های خدا در سرزمین برای ساکنان آسمان‌ها می‌درخشند همان‌طور که ستارگان

آسمان برای ساکنان زمین پرتو افشانی می‌کنند. (امام فخر رازی، تفسیر کبیر ۲۴/۶).

باید یادآور شد که مکان‌ها یکسان نیستند و بعضی از آنها، بر بعضی دیگر برتری دارند. راهیابی به نور هدایت

خداوند، با رفت و آمد به مساجد به دست می‌آید.

اصل در استفاده از مساجد، نماز و ذکر خداست، نه مراسم دیگر. طوری که می‌فرماید: «و يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ» در آن‌ها بندگان به توحید و یاد و تلاوت آیاتش می‌پردازند. ادای نماز، ذکر و انواع عبادت‌های دیگر تنها نام او در آن‌ها یاد شود «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» در این مساجد مؤمنان در صبحگان و شامگاهان نماز را برای الله اقامه می‌کنند. و ذکر او در این دو وقت بیشتر در آن‌ها انجام می‌شود.

ابن عباس گفته است: در قرآن هر چه تسبیح آمده است معنی نماز را افاده می‌کند.

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۷)

مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات غافل نمی‌دارد، از روزی می‌ترسند که دل‌ها و دیده‌ها در آن دگرگون می‌گردد (۳۷)

کلمه «رَجَالٌ» در این آیت مبارکه شامل همه بندگان الله می‌شود، چه مرد و چه زن.

«تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ» «تجارت»، داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی برای رفع مایحتاج زندگی است. (تفسیر میزان)

کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، اشخاصی بزرگی هستند. (در آیت مبارکه کلمه «رَجَالٌ» با تتوین آمده است که مبین کننده علامت بزرگی و عظمت را می‌رساند. یقین داشته باشید که اگر ایمان و ارادهٔ مسلمان قوی باشد، ابزار و وسائل اثری ندارند.

مفسران گفته‌اند: این آیت در مورد بازاریان نازل شده است. آن‌ها به محض شنیدن اذان کار و کاسبی را تماماً رها کرده و به اطاعت الله متعال می‌شتافتند. بازارهای مسلمانان، در وقت نماز باید تعطیل شود. حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد الله متعال غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام.

می‌خواهم یادآور شوم که ترك تجارت، اهمیت ندارد، بلکه تجارت همراه با یاد الله، نماز و زکات دارای ارزش و اهمیت می‌باشد و در این هیچ شکی نیست که ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌سازد.

ابن عباس (رض) می‌گوید: در مدینه مردانی بودند که به طلب فضل و نعمت الله متعال خرید و فروش و معامله می‌کردند و چون صدای اذان را می‌شنیدند، آنچه را در دست داشتند، بر زمین می‌گذاشتند و برای ادای نماز به سوی مسجد می‌شتافتند. این معنی قوی‌تر از قولی است که آیت کریمه را بر دست کشیدن کامل از معامله و تجارت برای فارغ شدن به ذکر الله متعال حمل می‌کند.

«يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» «از روزی می‌ترسند» مراد، از آن روز قیامت است «که چشم و قلب انسان به شدت از خوف و هراس آن مضطرب و آشفته می‌شوند. یعنی: در میان امید نجات و بیم هلاک، نگران و دگرگون و زیر و رو می‌شوند.

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۸)

[این گونه عمل می‌کنند] تا خدا آنان را بر [پایه] نیکوترین عملی که انجام داده اند ثواب دهد و از فضلش برای آنان

ببفرازد و الله هر کسی را که بخواهد، بی‌حساب روزی می‌دهد. (۳۸)

مطمئن باشید هر کسی که از سود دنیا بگذرد، به سود بی‌حساب آخرت دست می‌یابد.

الله متعال کم و کاستی‌های اعمال بندگان خویش را جبران کرده و پاداش کامل به آنان اعطا می‌کند.

یعنی خداوند متعال به هر کس از بندگان که بخواهد بهترین بخشش‌ها را عطا کرده و ایشان را به برترین جزا که در شمار و حد و پیمان و وزن ننگند، نایل می‌سازد؛ زیرا او جواد کریم صاحب مَجْدی است که بر عمل نیک چندان پاداش بی‌حسابی می‌بخشد که عمل خود بدان مرتبه از پاداش نمی‌رسد.

امام فخر رازی گفته است: بدین ترتیب کمال قدرت و کمال سخاوت در بخشش و وسعت احسانش را یادآور می‌شود؛ زیرا خدای سبحان در مقابل طاعت بزرگترین پاداش را به آن‌ها می‌دهد و در مقابل بیم و خوفشان فضل و کرم بی‌حد را به آنان اضافه می‌دهد.

در حدیث شریف به روایت ابن مسعود (رض) از رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده است که مراد از: «وَيَزِيدُهُمْ مِّن فَضْلِهِ» [النساء: ۱۷۳] دادن اجازه شفاعت به ایشان است. «و خدا هر که را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد» چندان که آن روزی در حساب و شمار خلق نگنجد.

خوانندگان گرامی!

در آیات قبلی از شرح حال مؤمنان بحث به عمل آمد که در دنیا در نور الله قرار دارند و به سبب آن نور، کردار پسندیده و نیکو انجام می‌دهند و در آخرت رستگارند و از نعمت پایدار برخوردار و در همان جا همیشه ماندگارند. در آیات متبرکه (۳۹ الی ۴۰) از احوال کافران، بحث به عمل می‌آید که از نور الله محروم اند، و در آخرت سخت زیانبارند و در دنیا در تاریکی‌های خطرناک قرار می‌گیرند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فُوفَاءَ حِسَابَةٍ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹)

و آنان که کفر ورزیدند، اعمال‌شان مانند سراب در دشت هموار است که (فرد) تشنه آن را آبی گمان می‌کند، تا چون به آن نزدیک شود آن را چیزی نیابد، و الله را نزد خود یابد و حسابش را تمام و کامل به او بدهد، و الله سریع الحساب است. (۳۹)

سراب چیزی است که در بیابان‌های بی‌آب به هنگام سختی گرما به صورت آب دیده می‌شود به طوری که بیننده آن را آب می‌پندارد.

قیعه: جمع قاع، به معنای زمین مسطح و بزرگ همچون بیابان است و یا مکانی که چقری دار و پائین است که آب در آن جمع می‌شود.

«ظمان» شخصی را می‌گویند که تشنگی زیاد داشته باشد.

کفّار در روز قیامت، از هیچ‌گونه سرمایه برخوردار نمی‌باشند :

باید گفت که علاوه بر عقیده، اعمال انسان در سرنوشت او نقش بسزا و بی‌نهایت مؤثری را دارا می‌باشد. بعد از این که قرآن عظیم الشان حال و سعادت مؤمن را بیان کرد، وضع و زیانمندی کافرا وی را به بیان گرفته، و در این بخش دو مثال را یادآور می‌شود :

اول، از اعمال کفار مثال می‌آورد، و ثانیاً؛ اعتقاد و دست و پا زدندش را در تاریکی به طور مثال بیان می‌دارد و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ» و کسانی که به الله متعال کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب کرده‌اند، اعمال نیکشان در دنیا از جمله مانند: سخاوت و بخشندگی، صلّه رحم و آزاد سازی بردگان، که تصور آن‌را می‌کردند که ؛ عذابش را از آنان دفع می‌کند بسان سرابی می‌گردد که از آن حاصلی متصور نیست.

در این آیت مبارکه به حقیقت اشاره دارد که شرط قبولی عمل، داشتن ایمان است و سعادت انسان نیز در گرو ایمان است. و جمله: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ» می‌رساند که: کفر سبب حبط و پوچ شدن عمل انسان می‌گردد.

واقعاً! همان سرابی که انسان نیمه روز آن را از دوردست همانند آبی به روی زمین مشاهده می‌کند و تشنه لب آن را آب می‌پندارد اما وقتی پیش آن می‌رسد آبی نمی‌بیند. پس همچنان است انسان کافر وقتی که می‌پندارد اعمال نیکویش

در دنیا، خوف و هراس‌های روز جزا را از وی دفع خواهد کرد، ولی چون روز حساب فرا رسد، نه تنها ثوابی را به اثر این اعمال به‌دست نمی‌آورد، بلکه خدای سبحان را می‌یابد که به سزای افعالش کیفری سخت را برایش آماده نموده است. باید به انگیزه‌ها توجه به‌عمل آید، نه به جلوه‌ها و ظاهر تلاش‌ها.

« وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ » الله تعالی به عجله به حساب بندگان خود می‌رسد؛ و سریع الحساب است؛ شمارگان بسیار را در وقتی کوتاه برمی‌شمارد، او وعده‌اش را به تأخیر نمی‌اندازد؛ زیرا وعده‌اش خواه ناخواه روی‌دهنده است.

ادامه دارد